



University of Tehran Press

Town & Country Planning

Online ISSN: 2423-6268

Home Page: <https://jtcp@ut.ac.ir>

Spatial Analysis of Translocal Relations of Rural Settlements: A Case Study of Lorestan Province

Mohammadreza Rezvani^{1*} | Seyed Ali Badri² | Fatemeh Nickravesh³ | Alireza Darban Astaneh⁴ | Mohammadamin Khorasani⁵

1. Corresponding Author, Department of Human Geography and Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: rezvani@ut.ac.ir

2. Department of Human Geography and Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: sabadri@ut.ac.ir

3. Department of Human Geography and Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: nickravesh.f@ut.ac.ir

4. Department of Human Geography and Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: astaneali@ut.ac.ir

5. Department of Human Geography and Planning, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: khorasani_ma@ut.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:

Received: December 31, 2025

Revised: February 16, 2026

Accepted: February 22, 2026

Published online: September 22, 2026

Keywords:

Translocal relations,
Spatial analysis,
Rural development,
Goods flow,
Lorestan Province.

ABSTRACT

Rural areas, as dynamic spaces, are influenced by social, economic, and spatial factors that shape household settlement patterns and interactions. Geographic dispersion, cultural diversity, and distance from urban centers contribute to the formation of unique translocal relations among rural households. These relations include the flow of people, goods, technology, information, and finances, reflecting households' participation in networks extending beyond village boundaries. Analyzing such relations requires spatial and network-based approaches. This study employs a quantitative, survey-based methodology using questionnaires. The statistical population comprised 437 rural households from the counties of Khorramabad, Dorud, and Kouhdasht. Data were analyzed using one-sample t-tests and one-way ANOVA. Spatial analysis utilized global and local Moran's I indices, Getis-Ord Gi* statistics, and kernel density estimation to identify patterns of dispersion, concentration, and clustering in translocal relations. Results indicate that the mean values of all dimensions of translocal relations exceed the theoretical threshold, with the flow of goods and technology exhibiting the highest intensity; however, the flows of people, finances, and information are at moderate levels. Spatial analysis revealed a relatively dispersed and polycentric distribution of these relations, with only a few villages serving as active nodes or relative focal points. These findings suggest that translocal networks in Lorestan Province are primarily driven by goods and technology exchanges and play a crucial role in enhancing livelihood resilience and connecting villages to broader economic and social networks. Spatial and network analyses of these relations can inform rural development planning and the design of targeted interventions in rural areas.

Cite this article: Rezvani, M.; Badri, A.; Nickravesh, F.; Darban Astaneh, A. & Khorasani, M. (2026). Spatial Analysis of Translocal Relations of Rural Settlements: A Case Study of Lorestan Province. *Town and Country Planning*.18 (1), 65-83. <http://doi.org/10.22059/jtcp.2026.409212.670542>



© Authors retain the copyright and full publishing rights.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jtcp.2026.409212.670542>

Publisher: University of Tehran Press.



تحلیل فضایی روابط فرامحلی سکونتگاه‌های روستایی (مورد مطالعه: استان لرستان)

محمد رضا رضوانی^{۱*} | سید علی بدری^۲ | فاطمه نیک‌روش^۳ | علیرضا دربان آستانه^۴ | محمد امین خراسانی^۵۱. نویسنده مسئول، گروه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: rrezvani@ut.ac.ir۲. گروه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: sabadri@ut.ac.ir۳. گروه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: nickravesh.f@ut.ac.ir۴. گروه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: astaneali@ut.ac.ir۵. گروه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: khorasani_ma@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۳۱

کلیدواژه:

استان لرستان،

تحلیل فضایی،

توسعه روستایی،

جریان کالا،

روابط فرامحلی.

روستاها به عنوان فضاهایی پویا تحت تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی، و فضایی قرار دارند که الگوهای سکونت و تعامل خانوارها را شکل می‌دهند. پراکندگی جغرافیایی، تنوع فرهنگی، و فاصله از مراکز شهری موجب شکل‌گیری الگوهای منحصر به فرد روابط فرامحلی میان خانوارهای روستایی شده است. این روابط شامل جریان افراد، کالا، فناوری، اطلاعات، و مالی است که نشان‌دهنده حضور خانوارها در شبکه‌ای گسترده فراتر از محدوده روستا است و تحلیل آن‌ها نیازمند رویکردهای فضایی و شبکه‌ای است. این پژوهش از نوع کمی و پیمایشی با استفاده از پرسشنامه انجام شد. جامعه آماری شامل ۴۳۷ خانوار روستایی از شهرستان‌های خرم‌آباد، دورود، و کوهدشت بود. داده‌ها با آزمون‌های تی تک‌نمونه‌ای و تحلیل واریانس یک‌طرفه بررسی شدند و برای تحلیل فضایی از شاخص‌های موران سراسری و محلی، آماره گنیس-ارد جی، و برآورد چگالی هسته‌ای بهره گرفته شد تا الگوهای پراکندگی، تمرکز، و خوشه‌بندی روابط فرامحلی شناسایی شوند. نتایج نشان داد میانگین تمامی ابعاد روابط فرامحلی بالاتر از حد نظری است و جریان کالا و فناوری بیشترین شدت را دارند؛ درحالی‌که جریان افراد و مالی و اطلاعات در سطحی متوسط قرار دارند. تحلیل فضایی بیانگر توزیع نسبتاً پراکنده و چندمرکزی این روابط است و تنها چند روستا نقش گره فعال یا نقاط تمرکز نسبی را ایفا می‌کنند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که شبکه‌های فرامحلی در استان لرستان بیشتر مبتنی بر مبادلات کالایی و فناوری هستند و نقش مهمی در تقویت تاب‌آوری معیشتی و اتصال روستاها به شبکه‌های اقتصادی و اجتماعی گسترده‌تر دارند. تحلیل شبکه‌ای و فضایی این روابط می‌تواند مبنای برنامه‌ریزی توسعه روستایی و طراحی مداخلات هدفمند در مناطق روستایی باشد.

استناد: رضوانی، محمد رضا؛ بدری، سید علی؛ نیک‌روش، فاطمه؛ دربان آستانه، علیرضا و خراسانی، محمد امین (۱۴۰۵). تحلیل فضایی روابط فرامحلی سکونتگاه‌های روستایی (مورد مطالعه: استان لرستان). *آمایش سرزمین*، ۱۸ (۱) ۶۵-۸۳. <http://doi.org/10.22059/jtcp.2026.409212.670542>

© نویسندگان. ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jtcp.2026.409212.670542>

مقدمه و بیان مسئله

روستاهای به عنوان فضاهایی پویا و در حال تحول، همواره تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل فضایی، اجتماعی، و اقتصادی قرار دارند که الگوهای سکونت، سازمان فضایی، و شیوه‌های تعامل خانوارهای روستایی را شکل می‌دهند (Chen & Dong, 2024; Huang et al., 2024). پراکندگی جغرافیایی روستاهای ناهمگونی توپوگرافی، فاصله از مراکز شهری، و تنوع فرهنگی و قومی موجب شکل‌گیری الگوهای منحصربه‌فردی از استقرار و روابط میان خانوارهای روستایی شده است (Chen et al., 2022). این ویژگی‌ها نشان می‌دهند که روستا نه به عنوان واحدهای مستقل و منزوی بلکه به مثابه گره‌هایی در یک شبکه فضایی گسترده‌تر عمل می‌کنند که در آن خانوارها از طریق پیوندهای متعدد با مکان‌هایی فراتر از محدوده فیزیکی روستای خود در ارتباط هستند (Huang et al., 2025). این شرایط ضرورت نگاه فراتر از چارچوب‌های صرفاً محلی و تمرکز بر الگوهای فضایی و شبکه‌ای روابط خانوارهای روستایی را برجسته می‌سازد.

در سال‌های اخیر، مفهوم روابط فرامحلی به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در مطالعات جغرافیای انسانی، توسعه روستایی، و مطالعات مهاجرتی مطرح شده است. این مفهوم، که از پژوهش‌های مک گراناها^۱ و تاکولی^۲ (۲۰۰۶) و بریکل^۳ و داتا^۴ (۲۰۱۱) الهام گرفته شده است، بر پیوندهای پایدار میان افراد، خانوارها، و جوامع در مکان‌های مختلف تأکید دارد و نشان می‌دهد که کنش‌ها و تعاملات اجتماعی و فضایی لزوماً به یک مکان واحد محدود نمی‌شوند (Greiner & Sakdapolrak, 2013). در این رویکرد، مکان‌ها به واسطه شبکه‌های ارتباطی به یک‌دیگر متصل می‌شوند و خانوارها به طور هم‌زمان در چندین فضای جغرافیایی حضور و نقش دارند (Steinbrink & Niedenführ, 2019). این دیدگاه، برخلاف رویکردهای سنتی که روستا را واحدی بسته و مستقل می‌دیدند، بر درهم‌تنیدگی فضایی مکان‌ها و شبکه‌ای بودن روابط انسانی تأکید دارد و امکان تحلیل پویایی‌های شبکه‌ای و فرامحلی فراهم می‌کند (Leder, 2024). در زمینه روستاهای استان لرستان، روابط فرامحلی عمدتاً در قالب شبکه‌هایی میان روستاهای میان روستا و شهرهای منطقه‌ای و ملی، و گاه در مقیاس‌های فراتر شکل گرفته‌اند. این روابط در الگوهای تاریخی سکونت، مهاجرت‌های موقت و دائمی، پیوندهای خویشاوندی، تبادلات اقتصادی، و جابه‌جایی‌های فضایی ریشه دارند و به تدریج ساختاری فضایی یافته‌اند که قابل تحلیل و شناسایی است. با این حال، بخش عمده‌ای از مطالعات موجود، مانند زومرس^۵ و همکارانش (۲۰۱۷)، اندرسون^۶ و همکارانش (۲۰۲۵)، روخنباخ^۷ و همکارانش (۲۰۱۹) به توصیف کلی این روابط بسنده کرده و کمتر به بررسی الگوهای فضایی، توزیع مکانی، و ساختار شبکه‌ای آن‌ها پرداخته‌اند. این خلأ پژوهشی، به‌ویژه در استان‌هایی مانند لرستان که تنوع فضایی و پراکندگی روستایی بالایی دارند، اهمیت و ضرورت بیشتری پیدا می‌کند.

تحلیل فضایی روابط فرامحلی امکان شناسایی الگوهای تمرکز، پراکندگی، خوشه‌بندی، نقاط برجسته، و پیوندهای مکانی میان خانوارها را فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که این روابط چگونه در فضا سازمان یافته‌اند (Anselin, 2019). این نوع تحلیل‌ها با بهره‌گیری از شاخص‌های خودهمبستگی فضایی و تکنیک‌های خوشه‌بندی قادرند ساختارهای پنهان در روابط اجتماعی- مکانی را آشکار سازند و الگوهای تعاملات فراتر از مرزهای محلی را به صورت عینی نمایش دهند (Goodchild & Longley, 2021). بهره‌گیری از رویکردهای فضایی و ابزارهای سیستم اطلاعات جغرافیایی این امکان را ایجاد می‌کند که روابط فرامحلی نه صرفاً به عنوان پدیده‌ای اجتماعی بلکه به عنوان ساختاری فضایی مورد مطالعه قرار گیرند و بتوانند به درک دقیق‌تر از سازمان فضایی شبکه‌های انسانی و مکانی در روستاهای پراکنده منجر شوند. علاوه بر این، تحلیل‌های فضایی می‌توانند ارتباط بین ویژگی‌های جغرافیایی، دسترسی به خدمات و منابع، و شدت روابط فرامحلی را آشکار کنند و چشم‌انداز علمی بهتری برای برنامه‌ریزی توسعه محلی ارائه دهند (Walker, 2022).

با وجود اهمیت این موضوع، بررسی نظام‌مند و فضامحور روابط فرامحلی خانوارهای روستایی استان لرستان تاکنون کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. اغلب مطالعات انجام‌شده یا بر سطح ملی تمرکز داشته‌اند یا به بررسی‌های کیفی و

1. McGranahan
2. Brickell
3. Zoomers
4. Andersson
5. Rockenbach

توصیفی بسنده کرده‌اند و از تحلیل فضایی و شبکه‌ای ساختار روابط فرامحلی غفلت کرده‌اند. این پژوهش تلاش دارد، با بهره‌گیری از روش‌های تحلیلی فضایی و شبکه‌ای، الگوهای فضایی روابط فرامحلی خانوارهای روستایی استان لرستان را شناسایی کند، به تحلیل شدت و پراکندگی این روابط بپردازد، و نقشی در توسعه مباحث نظری و تجربی مطالعات فرامحلی در بستر روستایی ایران ایفا کند. مسئله اصلی پژوهش در قالب سؤالاتی قابل طرح است: روابط فرامحلی خانوارهای روستایی استان لرستان از چه الگوی فضایی تبعیت می‌کنند؟ این روابط چگونه در سطح فضا سازمان یافته‌اند؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، تحقیقات مهاجرت و توسعه به طور فزاینده‌ای بر رویکردهایی تمرکز کرده‌اند که هدف آن‌ها غلبه بر مقوله‌های دوگانه سنتی در تحلیل توسعه و فضا است. یکی از این رویکردها رویکرد فرامحلی است که با تأکید بر روابط چندمقیاسی و چندمکانی فراتر از تحلیل‌های سنتی فضایی و ایستا حرکت می‌کند. با وجود اهمیت روزافزون این مفهوم، تعریف دقیق و یکنواختی از آن وجود ندارد. زیرا منشأ و معنای آن در منابع مختلف پراکنده است و نمی‌توان آن را به یک نویسنده یا اثر واحد نسبت داد. امروزه، اصطلاح فرامحلی به عنوان یک واژه کلیدی در رشته‌های مختلف، از جمله جغرافیا و مطالعات توسعه، استفاده می‌شود و مفاهیمی چون تحرک، اتصال، شبکه‌ها، جریان‌ها، و تعاملات اجتماعی- فضایی را در بر می‌گیرد (Steinbrink, 2009; Brickell & Datta, 2011; Greiner & Sakdapolrak, 2013). در تعریف فرامحلی، روابط بین سکونتگاه‌ها و جوامع محلی با سطوح فضایی بالاتر- شامل نواحی منطقه‌ای، ملی، بین‌المللی- محور اصلی است و آن را به عنوان روابطی که فراتر از جامعه روستایی گسترش می‌یابد تعریف می‌کنند (Freitag & Von Oppen, 2010) و از این دیدگاه برای نشان دادن جریان‌ها و انتقال‌های متعدد بهره می‌برند. این رویکرد، با به چالش کشیدن محدودیت‌های مرزبندی‌های فضایی، امکان تحلیل اثر متنوع و گاه متناقض ارتباط بین مکان‌ها و نهادها و بازیگران را فراهم می‌آورد (Kudo et al., 2020). در واقع فرامحلی‌گرایی امکان درک رابطه‌ای و پویای روابط میان مکان‌ها و جریان‌ها را فراهم می‌کند و بر نقش هم‌زمان تحرک و ثبات در شکل‌دهی به فضا تأکید دارد. در چارچوب روابط فرامحلی، تأثیر بر معیشت و توسعه روستایی از طریق پنج جریان اصلی- شامل افراد، کالا و خدمات، اطلاعات، فناوری و نوآوری، سرمایه- صورت می‌گیرد که هر یک نقش متفاوتی در اتصال و پویایی سکونتگاه‌های روستایی دارند. جریان افراد شامل مهاجرت‌های دائم و موقت و فصلی است که نه فقط جابه‌جایی مکانی بلکه سازکاری برای تداوم پیوندهای چندمکانی خانوارها محسوب می‌شود (Steinbrink, 2009; Brickell & Datta, 2011; Greiner & Sakdapolrak, 2013). این تحرک‌ها ممکن است نیروی کار محلی را کاهش دهند؛ اما، با انتقال تجربه و مهارت و منابع، پیوندهای اقتصادی و اجتماعی میان مبدأ و مقصد را تقویت می‌کنند و ساختار معیشتی خانوارهای روستایی را متأثر می‌سازند.

جریان کالا و خدمات بیانگر مبادله محصولات و خدمات میان سکونتگاه‌های روستایی و سایر سطوح فضایی است. این جریان‌ها روستاها را در شبکه‌های اقتصادی گسترده‌تری ادغام می‌کنند و زمینه اتصال آن‌ها به بازارهای منطقه‌ای و فراملی را فراهم می‌سازند (Lohnert & Steinbrink, 2005). در چارچوب فرامحلی، این مبادلات صرفاً اقتصادی نیستند، بلکه بخشی از روابط چندمقیاسی میان مکان‌ها محسوب می‌شوند که موجب بازتعریف جایگاه روستا در ساختار فضایی می‌شوند (Steinbrink, 2009). این جریان‌ها می‌توانند به تنوع بخشی معیشت، افزایش دسترسی به خدمات، و کاهش گسست فضایی میان شهر و روستا منجر شوند (Steinbrink & Niedenführ, 2019).

جریان اطلاعات به انتقال دانش و آگاهی و داده‌ها از طریق شبکه‌های ارتباطی میان مکان‌های مختلف اشاره دارد. در رویکرد فرامحلی، اطلاعات یکی از مهم‌ترین سازکارهای اتصال فضایی است که امکان شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی پایدار را فراهم می‌کند (Brickell & Datta, 2011; Greiner & Sakdapolrak, 2013). این جریان می‌تواند ظرفیت‌های محلی را تقویت کند و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها را تحت تأثیر قرار دهد. از این منظر، اطلاعات نه تنها یک منبع دانشی بلکه عنصری ساختاری در سازمان فضایی روابط فرامحلی محسوب می‌شود (Steinbrink, 2009).

جریان فناوری و نوآوری شامل انتقال شیوه‌های نوین تولید، دانش فنی، و فناوری‌های جدید میان فضاهای مختلف است. این

جریان‌ها به واسطه شبکه‌های فرامحلی امکان انتشار نوآوری و به‌روزرسانی ساختارهای تولیدی را فراهم می‌کنند (Freitag & Von Oppen, 2010). در چارچوب تحلیل فرامحلی، فناوری نه صرفاً ابزار فنی بلکه بخشی از فرایند بازاریابی فضایی و اقتصادی سکونتگاه‌ها تلقی می‌شود که می‌تواند بهره‌وری و پایداری فعالیت‌های روستایی را ارتقا دهد (Steinbrink & Niedenführ, 2019). جریان سرمایه به انتقال منابع مالی در قالب سرمایه‌گذاری‌ها و حواله‌ها اشاره دارد که از طریق شبکه‌های چندمکانی میان خانوارها و مکان‌ها برقرار می‌شود. این جریان یکی از نمودهای اصلی پیوندهای اقتصادی فرامحلی است و می‌تواند نقش مهمی در تقویت معیشت، توسعه زیرساخت‌ها، و پایداری اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی ایفا کند (Lohnert & Steinbrink, 2005). در رویکرد فرامحلی، سرمایه بخشی از سازکار اتصال فضایی و بازتولید روابط میان مبدأ و مقصد تلقی می‌شود (Steinbrink & Niedenführ, 2019).

پژوهش‌های داخلی نیز نشان می‌دهند که پیوندهای فرامحلی میان روستا و شهر نقش مهمی در ارتقای معیشت و توسعه محلی دارند. مثلاً، شفیع‌ی‌ثابت و هراتی‌فرد (۱۴۰۳) با بررسی شبکه‌های گردشگری در مناطق تهران و البرز نشان دادند که مزیت‌های جغرافیایی و جریان‌های دانش و همکاری‌های اجتماعی-اقتصادی می‌توانند ظرفیت پیوندهای روستایی-شهری را تقویت کنند. سلیمانی و رضوانی (۱۴۰۲) نیز تاب‌آوری فرامحلی سکونتگاه‌های روستایی در مواجهه با خشک‌سالی را تحلیل کردند و نشان دادند که توزیع نامتوازن پیوندهای فرامحلی منجر به تفاوت‌های تاب‌آوری میان دهستان‌ها می‌شود. دیگر پژوهش‌های داخلی، از جمله رحیمی و کرمی‌دهکردی (۱۴۰۰)، حسینی و همکارانش (۱۴۰۲) و سنایی‌مقدم و همکارانش (۱۴۰۲) به بررسی تأثیر دارایی‌های معیشتی و جریان‌های روستایی-شهری بر تنوع معیشت و امنیت غذایی خانوارها پرداخته و نشان داده‌اند که پیوندهای اقتصادی، اجتماعی، و فضایی نقش حیاتی در ارتقای معیشت و کاهش آسیب‌پذیری دارند. پژوهش‌های خارجی نیز تأکید دارند که روابط فرامحلی می‌توانند تأثیر مهمی بر تاب‌آوری و معیشت خانوارها داشته باشند. مثلاً، ساکداپولارک^۱ و همکارانش (۲۰۲۳) نشان دادند که تحرک و اتصال‌پذیری جهانی نقش مهمی در سازگاری با تغییرات اقلیمی دارند و محدودیت‌ها در این زمینه توانایی بهره‌برداری از مهاجرت را کاهش می‌دهد. مطالعات دیگر، مانند روخناخ و همکارانش (۲۰۱۹) و بوت^۲ و همکارانش (۲۰۲۰)، به اهمیت شبکه‌های اجتماعی-فضایی فرامحلی در دسترسی به منابع و مقابله با خطرات طبیعی اشاره کرده‌اند. همچنین، پژوهش‌های جورفلد^۳ (۲۰۲۲)، پورست^۴ و ساکداپولارک (۲۰۱۸)، و گرینر^۵ (۲۰۱۱) نشان می‌دهند که معیشت و امنیت غذایی خانوارها در بسیاری از مناطق جهان به طور فزاینده‌ای فرامحلی شده و نیازمند تحلیل شبکه‌ای و چندمقیاسی است تا پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی به‌دقت درک شود.

با وجود این مطالعات گسترده، نوآوری پژوهش حاضر در ترکیب و بومی‌سازی رویکرد فرامحلی در تحلیل جریان‌ها و پیوندهای روستایی-شهری است. برخلاف تحقیقات پیشین، که عمدتاً بر بخشی از جریان‌ها یا مهاجرت‌ها تمرکز کرده‌اند، این مطالعه تمامی اشکال جریان‌های فرامحلی شامل جریان مردم، کالا و خدمات، اطلاعات، فناوری، و سرمایه را به صورت یکپارچه و در چارچوب شبکه‌های فرامحلی تحلیل می‌کند. علاوه بر این، این پژوهش با توجه به ویژگی‌های بومی و شرایط خاص مناطق روستایی ایران رویکردی جامع و چندبعدی و بازیگرمحور ارائه می‌دهد که به درک دقیق‌تر تعاملات اجتماعی-فضایی و تأثیر آن بر ساختار شبکه‌های فرامحلی کمک می‌کند و خلأهای موجود در مطالعات داخلی و خارجی را پوشش می‌دهد.

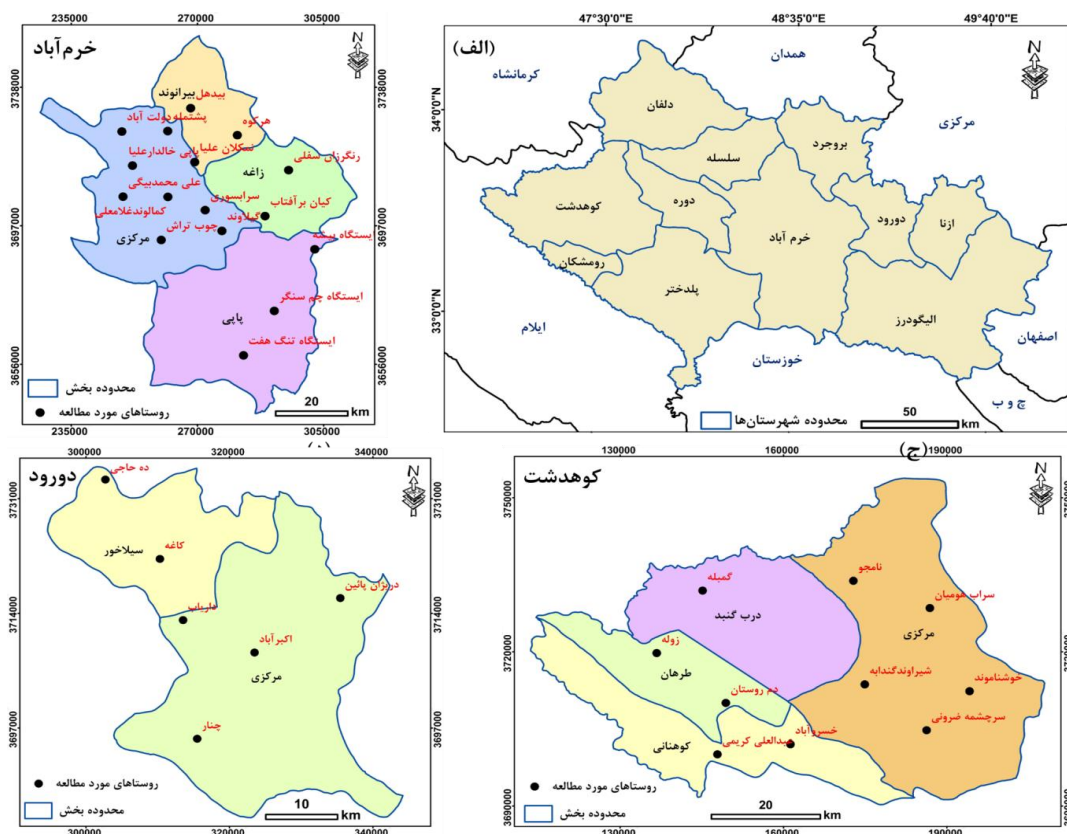
محدوده مورد مطالعه

جامعه آماری پژوهش شامل تمام خانوارهای روستایی استان لرستان است که به دلیل ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی خاص خود انتخاب شده است. لرستان با نرخ بی‌کاری ۲۱ درصد، پس از سیستان و بلوچستان، یکی از بالاترین نرخ‌های بی‌کاری کشور را دارد و در ده سال اخیر همواره بالاتر از میانگین ملی بوده است. البته این معضل در سال‌های اخیر کاهش یافته است؛ اما با

1. Sakdapolrak
2. Bott
3. Djurfeldt
4. Porst
5. Greiner

۱۱/۹ درصد در سال ۱۴۰۲ همچنان در وضعیت اقتصادی ناپایدار قرار دارد. این استان همچنین با ثبت ۲۱۸۴۲ مهاجر طی پنج سال منتهی به ۱۳۹۵ چهارمین استان مهاجرفرست به تهران بوده است. مهاجرت و روابط فرامحلی ناشی از آن لرستان را نمونه‌ای مناسب برای مطالعه الگوهای اجتماعی-مکانی و تأثیر آن بر دارایی‌های معیشتی خانوارها کرده است. با وجود افزایش بهره‌وری کشاورزی و گرایش به تولید محصولات نقدی، معیشت استان عمدتاً مبتنی بر کشاورزی خرد است و خانوارها در مواجهه با نوسانات قیمت، کمبود نیروی کار، تغییرات جمعیتی، و تهدیدهای اقلیمی پایداری قابل توجهی نشان داده‌اند. تنوع‌بخشی به معیشت و تحول دارایی‌های معیشتی عامل مهم این پایداری است.

این استان با مساحتی حدود ۲۸۲۹۴ کیلومتر مربع، معادل ۱/۷ درصد از وسعت کل کشور، در جنوب غربی ایران واقع شده و از نظر مساحت در رتبه شانزدهم استان‌های کشور قرار دارد. این استان بین ۴۰°۳۲' تا ۳۳°۳۴' عرض شمالی و ۵۰°۴۶' تا ۵۰°۱۵' طول شرقی واقع شده و میانگین ارتفاع آن بیش از ۲۲۰۰ متر است. پست‌ترین نقطه استان در دشت‌های جنوبی با ارتفاع ۱۷۴ متر و بلندترین نقطه قله اشتران‌کوه با ارتفاع ۴۰۵۴ متر در قلب رشته کوه زاگرس قرار دارد. لرستان از شمال با همدان و استان مرکزی، از شرق با اصفهان، از جنوب شرق با چهارمحال و بختیاری، از جنوب با خوزستان، از غرب با ایلام، و از شمال غرب با کرمانشاه هم‌مرز است. بخش عمده استان را کوه‌های مرتفع زاگرس پوشانده‌اند و این عوارض طبیعی، به‌ویژه در بخش‌های مرکزی و شرقی، دسترسی و پراکندگی روستاها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این پژوهش، سه شهرستان خرم‌آباد و کوهدشت و دورود به عنوان مناطق نمونه انتخاب شدند تا تنوع فضایی و اجتماعی استان نمایان شود. شهرستان خرم‌آباد، با مساحت ۵۰۰۸ کیلومتر مربع و ۱۷ دهستان، بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین ساختار فضایی و جمعیتی را دارد و به عنوان مرکز اداری و سیاسی استان نقش محوری در توزیع خدمات دارد. شهرستان کوهدشت با مساحت ۳۴۸۸ کیلومتر مربع و ۹ دهستان در موقعیتی میانی قرار گرفته و نشان‌دهنده پراکندگی جمعیت روستایی است. شهرستان دورود نیز با مساحت ۱۳۷۳ کیلومتر مربع و ۵ دهستان کوچک‌ترین شهرستان نمونه است و تمرکز فعالیت‌ها در نواحی شهری و گردشگری آن بالاتر است. تقسیمات سیاسی استان لرستان و شهرستان‌های مورد مطالعه به همراه موقعیت روستاهای مورد مطالعه در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. تقسیمات سیاسی استان لرستان و شهرستان‌های مورد مطالعه همراه موقعیت روستاهای مورد مطالعه

ویژگی‌های جمعیتی روستاهای مورد مطالعه در جدول ۱ نشان می‌دهد که جمعیت و تعداد خانوارها متنوع است. مثلاً، در خرم‌آباد، روستای پاپی‌خالداری علیا با ۳۱۱۵ نفر بزرگ‌ترین و پشتمله با ۶۰ نفر کوچک‌ترین روستا است. در کوهدشت، خوشناموند با ۱۸۲۶ نفر و دمروستان با ۱۱۱۳ نفر بیشترین جمعیت را دارند. و در دورود، داریاب با ۲۳۶۱ نفر و کاغه با ۹۵۳ نفر بزرگ‌ترین سکونتگاه‌ها محسوب می‌شوند. شاخص نسبت جنسی و بعد خانوار نیز در روستاها متغیر است و نشان‌دهنده پراکندگی و تنوع جمعیتی در منطقه است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیتی روستاهای نمونه مورد مطالعه (منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۵)

شهرستان	روستا	کل خانوار	جمعیت کل	جمعیت مرد	جمعیت زن	بعد خانوار
خرم‌آباد	ایستگاه بیشه	۱۱۵	۳۵۹	۱۷۴	۱۸۵	۳/۱۲
	ایستگاه تنگ‌هفت	۵۶	۲۰۴	۱۰۲	۱۰۲	۳/۶۴
	ایستگاه چم‌سنگر	۱۰۵	۴۲۱	۱۸۳	۲۳۸	۴/۰۱
	بیدهل	۵۸	۲۱۴	۱۱۳	۱۰۱	۳/۶۹
	پاپی‌خالداری علیا	۹۰۴	۳۱۱۵	۱۶۱۳	۱۵۰۲	۳/۴۵
	پشتمله	۴۷	۶۰	۳۶	۲۴	۴/۲۹
	چوب‌تراش	۱۰۳	۱۶۲	۸۰	۸۲	۳/۴۵
	دولت‌آباد	۲۰۵	۳۵۸	۱۶۹	۱۸۹	۳/۴۸
	رنگرزان سفلی	۱۰۹	۷۸۱	۳۹۴	۳۸۷	۳/۸۱
	سراب‌سوری	۹۶	۳۸۳	۱۹۷	۱۸۶	۳/۵۱
	کمالوند غلام‌علی	۳۷۹	۳۳۲	۱۶۱	۱۷۱	۳/۴۶
	کیان‌برآفتاب	۶۶	۱۲۶۶	۶۳۳	۶۳۳	۳/۳۴
	گیلاوند	۸۹	۲۳۱	۱۲۳	۱۰۸	۳/۵۰
	نمکلان علیا	۱۲۷	۳۱۷	۱۶۹	۱۴۸	۳/۵۶
	علی‌محمدیگی	۳۲	۱۲۶	۶۶	۶۰	۳/۹۴
کوهدشت	هرکوه	۳۵	۵۴۰	۳۳۲	۲۰۸	۴/۲۵
	خسروآباد	۱۶۶	۶۱۲	۳۰۸	۳۰۴	۳/۶۹
	خوشناموند	۴۹۸	۱۸۲۶	۹۴۰	۸۸۶	۳/۶۷
	دمروستان	۲۸۸	۱۱۱۳	۵۶۸	۵۴۵	۳/۸۶
	زوله	۴۳	۱۷۴	۸۵	۸۹	۴/۰۵
	سراب‌هومیان	۴۳	۱۹۸	۹۷	۱۰۱	۴/۶۰
	سرچشمه‌ضرونی	۴۱	۱۱۷	۵۰	۶۷	۲/۸۵
	شیراوندگندابه	۲۱۴	۷۷۰	۳۸۷	۳۸۳	۳/۶۰
	گمبله	۷۰	۲۶۴	۱۳۲	۱۳۲	۳/۷۷
	عبدالعلی‌کریمی	۱۸۷	۶۳۸	۳۲۷	۳۱۱	۳/۴۱
دورود	نامجو	۱۰۱	۴۴۲	۲۴۲	۲۰۰	۴/۳۸
	اکبرآباد	۱۰۲	۳۵۶	۱۸۵	۱۷۱	۳/۴۹
	چنار	۴۱	۱۵۱	۸۲	۶۹	۳/۶۸
	داریاب	۶۵۷	۲۳۶۱	۱۲۱۳	۱۱۴۸	۳/۵۹
	دریژان پایین	۵۵	۱۶۴	۸۶	۷۸	۲/۹۸
	ده‌حاجی	۱۲۴	۴۰۳	۲۱۲	۱۹۱	۳/۲۵
	کاغه	۲۷۱	۹۵۳	۴۸۵	۴۶۸	۳/۵۲

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کمی و پیمایشی است و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بود. جامعه آماری شامل تمامی خانوارهای روستایی استان لرستان بود که به دلیل نرخ بالای بی‌کاری، مهاجرت گسترده، و وابستگی معیشت به کشاورزی خرد نمونه مناسبی برای مطالعه روابط فرامحلی محسوب می‌شد. واحد تحلیل خانوارهای روستایی بود. تعداد کل خانوارهای روستایی استان

لرستان برابر با ۱۷۴۵۲۵ خانوار بود. با توجه به گستردگی جامعه آماری و محدودیت‌های اجرایی، امکان بررسی تمامی خانوارهای روستایی استان وجود نداشت. با استناد به «سند آمایش سرزمین استان لرستان» (مصوب ۱۳۹۰)، که در آن شهرستان‌های استان به سه سطح توسعه تقسیم شده‌اند، شهرستان‌های خرم‌آباد و دورود و کوهدشت به ترتیب از سطوح توسعه یافته و در حال توسعه و کمتر توسعه یافته انتخاب شدند و ۳۲ روستا به عنوان خوشه نهایی تعیین شد. حجم نمونه با فرمول کوکران و با در نظر گرفتن جامعه آماری ۶۴۴۱۳ خانوار، سطح اطمینان ۹۵ درصد، و دقت ۰/۰۵ برابر ۳۸۳ خانوار محاسبه شد که برای افزایش دقت به ۴۳۷ خانوار افزایش یافت و بین شهرستان‌ها توزیع شد. ابزار پژوهش پرسشنامه بود که متغیرهای روابط فرامحلی شامل جریان افراد، جریان کالا، جریان مالی، جریان فناوری، و جریان اطلاعات را می‌سنجد. روایی پرسشنامه به صورت اعتبار صوری توسط استادان تأیید شد. به منظور بررسی پایایی ابعاد متغیر مورد بررسی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج ارائه شده در جدول ۲ نشان می‌دهد که مقدار آلفای کرونباخ برای تمامی شاخص‌ها بالاتر از حد قابل قبول ۰/۷ است که بیانگر پایایی مناسب ابزار اندازه‌گیری است. در میان شاخص‌ها، جریان افراد بیشترین پایایی را دارد و سایر شاخص‌ها نیز همگی از آلفای کرونباخ قابل قبول برخوردارند. به طور کلی، نتایج بیانگر پایایی مناسب پرسشنامه و قابلیت استفاده از داده‌ها در تحلیل‌های بعدی است.

جدول ۲. مقدار آلفای کرونباخ ابعاد روابط فرامحلی

شاخص‌های روابط فرامحلی	تعداد گویه	ضریب پایایی (آلفای کرونباخ)
جریان افراد	۵	۰/۹۳۱
جریان مالی	۵	۰/۹۰۹
جریان کالا	۴	۰/۸۶۱
جریان فناوری	۴	۰/۹۲۷
جریان اطلاعات	۵	۰/۸۸۱

برای توصیف و بررسی معناداری آماری متغیرهای پژوهش از آزمون‌های آماری پارامتریک استفاده شد. در این زمینه، آزمون تی تک‌نمونه‌ای^۱ به منظور مقایسه میانگین متغیرهای مورد بررسی با مقدار مینا و سنجش معناداری وضعیت روابط فرامحلی خانوارهای روستایی به کار گرفته شد. این آزمون امکان ارزیابی معناداری آماری اختلاف میانگین مشاهده شده با مقدار نظری را فراهم می‌کند و تصویری اولیه از شدت و جهت متغیرها ارائه می‌دهد. همچنین، برای بررسی تفاوت‌های معنادار میانگین روابط فرامحلی در میان گروه‌ها و سطوح مختلف فضایی از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه^۲ استفاده شد. این آزمون با مقایسه واریانس درون گروهی و بین گروهی امکان شناسایی تفاوت‌های ساختاری میان واحدهای مورد مطالعه را فراهم می‌سازد. به کارگیری این آزمون‌ها، به عنوان گام مقدماتی تحلیل، زمینه لازم را برای تفسیر دقیق‌تر الگوهای مکانی و اجرای تحلیل‌های فضایی فراهم کرده است.

برای تحلیل داده‌های فضایی و بررسی الگوهای روابط فرامحلی، از روش‌های تحلیل مکانی شامل شاخص موران سراسری^۳، شاخص موران محلی^۴، آماره گتیس-ارد جی^۵، و برآورد چگالی هسته‌ای^۶ استفاده شد. شاخص موران سراسری برای سنجش همبستگی مکانی کلی و تعیین الگوی پراکنش خوشه‌ای یا تصادفی داده‌ها به کار گرفته شد. شاخص موران محلی برای شناسایی خوشه‌ها و نواحی پرت مکانی به تفکیک مناطق مورد مطالعه استفاده شد. آماره گتیس-ارد جی برای تحلیل تمرکز یا پراکندگی جریان‌ها در سطح نقاط و بررسی تأثیر متغیرهای محلی بر جریان‌های فرامحلی به کار گرفته شد. علاوه بر این، برآورد چگالی هسته‌ای برای مدل‌سازی توزیع مکانی داده‌ها و شناسایی نواحی با تراکم بالا و پایین جریان‌ها مورد استفاده قرار گرفت. پردازش و تحلیل داده‌های مکانی با بهره‌گیری از نرم‌افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی و ابزارهای آماری مکانی انجام شد تا الگوهای جریان افراد، کالا، مالی، فناوری، و اطلاعات بین مناطق مختلف به صورت کمی و بصری مشخص شود.

1. one sample t test
2. one-way anova
3. global moran's i
4. local moran's i
5. getis-ord gi*
6. kernel density estimation

نتایج

یافته‌های توصیفی

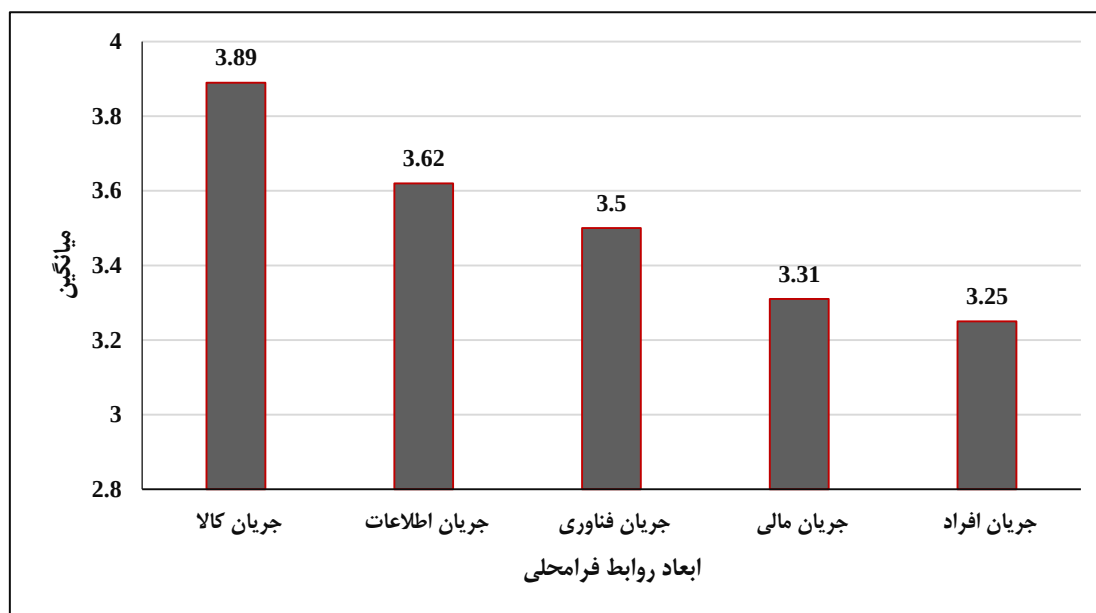
نمونه آماری پژوهش شامل ۴۳۷ پاسخ‌دهنده روستایی در استان لرستان است که ۷۷/۳ درصد مرد و ۲۲/۷ درصد زن بودند و نشان‌دهنده حضور غالب مردان در نمونه و سهم قابل توجه زنان است. از نظر سن، اکثریت پاسخ‌دهندگان در گروه‌های ۳۰ تا ۳۹ و ۴۰ تا ۴۹ سال قرار داشتند و بیش از ۷۰ درصد جامعه آماری را تشکیل می‌دادند؛ درحالی‌که گروه ۲۰ تا ۲۹ سال کمترین سهم را داشت. این الگو نشان‌دهنده تمرکز نمونه بر افراد میان‌سال است. سطح تحصیلات پاسخ‌دهندگان متنوع بود؛ طوری که بیشترین سهم مربوط به دیپلم (۳۰/۷ درصد)، متوسطه (۲۴/۹ درصد)، و دانشگاهی (۲۳/۸ درصد) بود و افراد بی‌سواد یا با تحصیلات ابتدایی کمتر از ۲۱ درصد از جامعه آماری را تشکیل می‌دادند. از نظر اشتغال، بیشترین خانوارها در بخش کشاورزی فعالیت داشتند (۳۸ درصد) و پس از آن بخش صنعتی و خدماتی (۲۶/۵ درصد) بود؛ درحالی‌که سایر شغل‌ها سهم کمتری داشتند. بررسی درآمد ماهیانه نشان داد حدود ۷۹ درصد خانوارها در بازه‌های پایین تا متوسط (کمتر از ۳۰ میلیون تومان) قرار دارند و تنها تعداد اندکی درآمد بالای ۴۵ میلیون تومان داشتند.

از نظر ویژگی‌های مکانی، بیش از نیمی از خانوارها در نزدیکی مرکز شهرستان ساکن بودند؛ درحالی‌که بقیه در مناطق متوسط و دورتر زندگی می‌کردند. بررسی ارتباطات فرامحلی نشان داد که بخش عمده‌ای از خانوارها حداقل به صورت هفتگی با خارج از روستا در ارتباط هستند و بیشترین روش‌های ارتباطی ترکیبی حضوری و تلفنی یا حضوری و اینترنتی بود. این الگو بیانگر تنوع و انعطاف‌پذیری در نحوه تعامل خانوارها با محیط بیرون است. در زمینه دریافت کمک، بیشترین منابع حمایت خانوارها اعضای خانواده (۵۱/۷ درصد) و اقوام (۳۰/۲ درصد) بودند و دریافت کمک از ارگان‌های رسمی محدود بود. نوع کمک‌های فرامحلی عمدتاً شامل کالا و مایحتاج ضروری، کمک نقدی، و ترکیبی از کمک نقدی و کالا بود و کمک‌های اطلاعاتی و مشاوره‌ای و خدماتی سهم کمتری داشتند.

در شکل ۲ میانگین پنج بعد روابط فرامحلی نشان داده شده است. بررسی مقایسه‌ای ابعاد روابط فرامحلی نشان می‌دهد که الگوی تعاملات فرامحلی در منطقه تابع یک ترکیب مشخص است که محورهای اقتصادی-بازارمحور (جریان کالا) و اطلاع‌رسانی (جریان اطلاعات) را در اوج و محورهای مبتنی بر تحرک انسانی و تأمین مالی رسمی را در حد میانه قرار می‌دهد. میانگین‌های محاسبه‌شده برای هر شاخص عبارت‌اند از جریان کالا (۳/۸۹)، جریان اطلاعات (۳/۶۲)، جریان فناوری (۳/۵۰)، جریان مالی (۳/۳۱)، و جریان افراد (۳/۲۵). بالاترین مقدار شاخص جریان کالا (به‌ویژه گویه‌های مربوط به تهیه لوازم خانگی و خرید کالاهای روزمره با میانگین‌های ۳/۹۶ و تأمین نهاده‌ها/محصولات با میانگین ۳/۸۷) نشان می‌دهد که ادغام اقتصادی روستا با بازارهای شهری به شکل قابل توجهی عمیق است و تأمین مادی و مصرفی خانوارها بیش از سایر کانال‌ها از فضاهای فرامحلی تأمین می‌شود. این وضعیت معمولاً نشانه‌ای از دسترسی نسبی به بازار، شبکه‌های عرضه و تقاضای پویا، و وابستگی مصرفی به مراکز شهری است. در کنار آن، شاخص جریان اطلاعات (با میانگین کلی ۳/۶۲ و گویه‌ای مانند بهره‌مندی از آموزش‌ها و مشاوره‌های کشاورزی با میانگین ۳/۹۸) نقش توانمندساز دارد. اطلاعات فنی، بازاریابی، و ترویجی که از خارج روستا وارد می‌شود ظرفیت تولید و امکان تجاری‌سازی محصولات را افزایش می‌دهد و این خود جریان کالا را تقویت می‌کند. بنابراین رابطه‌ای دوسویه و مکمل میان اطلاعات و کالا برقرار است.

از سوی دیگر، جریان فناوری با میانگین ۳/۵۰ و شاخص بسیار بالای استفاده از وسایل ارتباطی (میانگین ۴/۲۱) نشان می‌دهد که زیرساخت‌های ارتباطی و نفوذ فناوری‌های ارتباطی بستری فراهم کرده‌اند تا تبادل اطلاعات و هماهنگی بازار و دسترسی به خدمات تسهیل شود؛ هرچند بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در بخش بهداشت کمترین مقدار را در این بعد (۲/۷۳) داشته که نمایانگر شکاف بخشی در نفوذ فناوری‌های تخصصی است. جریان مالی (۳/۳۱) و جریان افراد (۳/۲۵) نسبت به کالا و اطلاعات وضعیتی نسبتاً پایین‌تر دارند؛ به طور مشخص، وابستگی به منابع مالی خارج از روستا و کمک‌های خانوادگی (مجموع حدود ۵۹ درصد برای وابستگی مالی و ۵۱ درصد برای دریافت حمایت خانوادگی در گویه‌های مربوط) نشان‌دهنده وجود جریان‌های حمایتی و حواله‌ای است. اما استفاده از ابزارهای رسمی مالی و سرمایه‌گذاری پایدار محلی (میانگین سرمایه‌گذاری

۲/۸۴ و میانگین دریافت تسهیلات ۳/۱۲) کمتر توسعه یافته است. همچنین، شاخص جریان افراد بازتاب‌دهنده تحرک بیشتر کوتاه‌مدت و رفت‌وآمدهای خدمتی و شغلی (گویه رفت‌وآمد منظم با میانگین ۳/۵۸ و گویه مهاجرت شغلی با میانگین ۳/۳۸) است تا مهاجرت دائمی ناشی از پیوندهای خانوادگی (ازدواج که میانگین ۲/۷۹ دارد)؛ یعنی تحرک انسانی عمدتاً به شکل رفت‌وآمد و مهاجرت اقتصادی هدفمند است تا خروج گسترده و دائم جمعیت.



شکل ۲. میانگین پنج بعد روابط فرامحلی

ارزیابی کم و کیف روابط فرامحلی

به منظور مقایسه میانگین ابعاد مختلف روابط فرامحلی خانوارهای روستایی با مقدار نظری مورد انتظار، آزمون تی تک‌نمونه‌ای انجام شد و نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است. نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای نشان می‌دهد که میانگین تمامی ابعاد روابط فرامحلی خانوارهای روستایی به طور معنادار بالاتر از مقدار مبنای نظری (۳/۱) است؛ طوری که در همه ابعاد سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ به دست آمده است. این یافته بیانگر آن است که روابط فرامحلی در منطقه مورد مطالعه نه تنها در سطح متوسط بلکه در سطحی بالاتر از حد انتظار نظری قرار دارند و نقش فعالی در ساختار معیشتی و اجتماعی خانوارهای روستایی ایفا می‌کنند. در میان ابعاد مختلف، جریان کالا با میانگین ۳/۹۰ و بالاترین مقدار تی (۲۴/۳۸) بیشترین فاصله را از مقدار مبنا نشان می‌دهد که حاکی از غلبه پیوندهای تجاری و مبادلات کالایی فرامحلی در اقتصاد روستایی منطقه است. این امر نشان می‌دهد که خانوارها به طور گسترده در شبکه‌های بازار خارج از روستا ادغام شده‌اند و مبادلات کالایی مهم‌ترین شکل تعامل فرامحلی را تشکیل می‌دهد. پس از آن، جریان فناوری با میانگین ۳/۵۰ در جایگاه دوم قرار دارد که بیانگر نقش فزاینده فناوری‌های ارتباطی، اینترنت، و ابزارهای دیجیتال در تسهیل تعاملات اقتصادی، اطلاعاتی، و نهادی با مناطق خارج از روستا است. جریان مالی (میانگین ۳/۳۲) نیز به طور معناداری بالاتر از سطح مبنا قرار دارد و نشان‌دهنده اهمیت منابع مالی فرامحلی، حمایت‌های اقتصادی، حواله‌ها، و تعاملات بانکی در پایداری معیشت خانوارهاست. در مقابل، جریان افراد (میانگین ۳/۲۶) و جریان اطلاعات (میانگین ۳/۲۳) اگرچه اثرگذاری معنادار دارند، شدت آن‌ها نسبت به سایر ابعاد کمتر است؛ موضوعی که می‌تواند بیانگر محدودیت‌های نسبی در تحرک جمعیتی پایدار یا دسترسی نابرابر به شبکه‌های اطلاعاتی فرامحلی باشد. در نهایت، میانگین کل ابعاد روابط فرامحلی (۳/۴۴) و مقدار تی بالای آن (۱۳/۹۵) نشان می‌دهد که روابط فرامحلی در منطقه مورد مطالعه از وضعیتی فراتر از حد متوسط و در سطحی نسبتاً قوی و تثبیت‌شده برخوردار است. این وضعیت بیانگر آن است که خانوارهای روستایی، به‌ویژه از مسیر جریان کالا و فناوری و منابع مالی، توانسته‌اند پیوندهای مؤثری با فضاهای فراتر از روستا برقرار کنند؛ پیوندهایی

که می‌توانند به عنوان یکی از پایه‌های اصلی تاب‌آوری معیشتی، کاهش آسیب‌پذیری، و ادغام روستا در شبکه‌های اقتصادی و فضایی گسترده‌تر تلقی شوند.

جدول ۳. نتایج آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای ابعاد روابط فرامحلی خانوارهای روستایی (مقدار مبنا = ۳/۱، تعداد نمونه = ۴۳۷)

ابعاد روابط فرامحلی	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین با مقدار مبنا	بازه اطمینان ۹۵ درصد (حد پایین - حد بالا)
جریان افراد	۳/۲۶	۰/۶۶	۰/۰۳	۴/۹۶	۴۳۶	۰/۰۰۰	۰/۱۶	۰/۰۹-۰/۲۲
جریان مالی	۳/۳۲	۰/۷۵	۰/۰۴	۶/۰۳	۴۳۶	۰/۰۰۰	۰/۲۲	۰/۱۵-۰/۳۹
جریان کالا	۳/۹۰	۰/۶۸	۰/۰۳	۲۴/۳۸	۴۳۶	۰/۰۰۰	۰/۸۰	۰/۷۳-۰/۸۶
جریان فناوری	۳/۵۰	۰/۷۷	۰/۰۴	۱۰/۸۵	۴۳۶	۰/۰۰۰	۰/۴۰	۰/۳۳-۰/۴۸
جریان اطلاعات	۳/۲۳	۰/۸۶	۰/۰۴	۳/۱۰	۴۳۶	۰/۰۰۰	۰/۱۳	۰/۰۵-۰/۳۱
کل ابعاد	۳/۴۴	۰/۵۱	۰/۰۲	۱۳/۹۵	۴۳۶	۰/۰۰۰	۰/۳۴	۰/۲۹-۰/۳۹

مقایسه میانگین ابعاد روابط فرامحلی

برای بررسی تفاوت‌های آماری میان ابعاد مختلف روابط فرامحلی خانوارهای روستایی، آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه به کار گرفته شد و نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد بین میانگین ابعاد مختلف روابط فرامحلی خانوارهای روستایی تفاوت آماری معناداری وجود دارد ($F=59/80$ ، $Sig=0/000$). این یافته بیانگر آن است که شدت و سطح تحقق ابعاد گوناگون روابط فرامحلی در منطقه مورد مطالعه یکسان نیست و هر بعد نقش و جایگاه متفاوتی در الگوی ارتباطات فرامحلی خانوارهای روستایی ایفا می‌کند. مقدار بالای آماره F حاکی از قدرت تفکیک مناسب مدل و تفاوت قابل توجه میان ابعاد بررسی شده است؛ به گونه‌ای که تغییرات بین‌بعدی به مراتب بیشتر از تغییرات درون‌بعدی مشاهده می‌شود.

جدول ۴. نتایج تحلیل واریانس یک‌طرفه برای مقایسه میانگین ابعاد روابط فرامحلی خانوارهای روستایی

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معناداری
بین گروه‌ها	۱۳۳/۸۴	۴	۳۳/۴۶	۵۹/۸۰	۰/۰۰۰
درون گروه‌ها	۱۲۱۹/۷۵	۲۱۸۰	۰/۵۶	-	-
کل	۱۳۵۳/۵۹	۵۱۸۴	-	-	-

برای شناسایی زیرگروه‌های همگن ابعاد روابط فرامحلی خانوارهای روستایی و تعیین تفاوت‌های معنادار بین آن‌ها آزمون تعقیبی دانکن^۱ پس از تحلیل واریانس یک‌طرفه انجام شد و نتایج آن در جدول ۵ ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد ابعاد روابط فرامحلی در سه زیرگروه همگن مجزا قرار می‌گیرند. در پایین‌ترین سطح، جریان اطلاعات (میانگین ۳/۲۳)، جریان افراد (۳/۲۶)، و جریان مالی (۳/۳۲) در یک زیرگروه همگن قرار گرفته‌اند که بیانگر سطح نسبتاً مشابه و متوسط این ابعاد در منطقه است. این امر نشان می‌دهد که اگرچه جریان اطلاعات، مهاجرت، و تعاملات مالی فرامحلی در زندگی خانوارهای روستایی حضور دارند، شدت آن‌ها هنوز به سطح غالب و مسلط نرسیده است و احتمالاً با محدودیت‌هایی نهادی یا انسانی یا اقتصادی مواجه‌اند. در سطح بالاتر، جریان فناوری با میانگین ۳/۵۰ به عنوان بعدی متمایز ظاهر می‌شود که فاصله معناداری با ابعاد پیشین دارد. این یافته نشان می‌دهد که فناوری‌های ارتباطی، زیرساخت‌های دیجیتال، و ابزارهای نوین نقش فزاینده‌ای در تقویت پیوندهای فرامحلی خانوارها ایفا کرده‌اند و به عنوان یکی از پیشران‌های اصلی گسترش روابط فرامحلی در منطقه عمل می‌کنند. قرارگیری این بعد در زیرگروهی مستقل بیانگر جایگاه برجسته‌تر آن در مقایسه با جریان‌های انسانی، مالی، و اطلاعاتی است.

در نهایت، جریان کالا با بالاترین میانگین (۳/۹۰) در زیرگروه همگن مستقل قرار می‌گیرد و به عنوان قوی‌ترین و غالب‌ترین بعد روابط فرامحلی در منطقه مورد مطالعه شناخته می‌شود. این نتیجه حاکی از آن است که مبادله کالا، تأمین نهاده‌ها، و ورود و

1. Duncan post hoc test

خروج محصولات به خارج از روستا اصلی‌ترین شکل تحقق روابط فرامحلی خانوارهای روستایی است و پیوندهای اقتصادی کالامحور نقش محوری در اتصال روستا به فضاهای فراتر ایفا می‌کنند. این الگو نشان می‌دهد روابط فرامحلی در منطقه بیش از آنکه مبتنی بر جابه‌جایی نیروی انسانی یا جریان‌های مالی رسمی باشد بر مبنای مبادلات کالایی و بازارمحور شکل گرفته است. در مجموع، نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه و دانکن نشان می‌دهد که ساختار روابط فرامحلی خانوارهای روستایی در منطقه مورد مطالعه نامتوازن اما هدفمند است؛ طوری که جریان کالا و فناوری در سطوح بالاتری قرار دارند، درحالی‌که جریان افراد و اطلاعات و مالی در سطحی متوسط باقی مانده‌اند. این الگو بیانگر گذار تدریجی روابط روستایی از تعاملات سنتی به سمت ارتباطات اقتصادی- فناورانه است و می‌تواند مبنای مهمی برای سیاست‌گذاری توسعه روستایی، تقویت تاب‌آوری معیشتی، و طراحی مداخلات متناسب با ظرفیت‌های واقعی منطقه باشد.

جدول ۵. نتایج آزمون تعقیبی دانکن برای طبقه‌بندی همگن ابعاد روابط فرامحلی خانوارهای روستایی

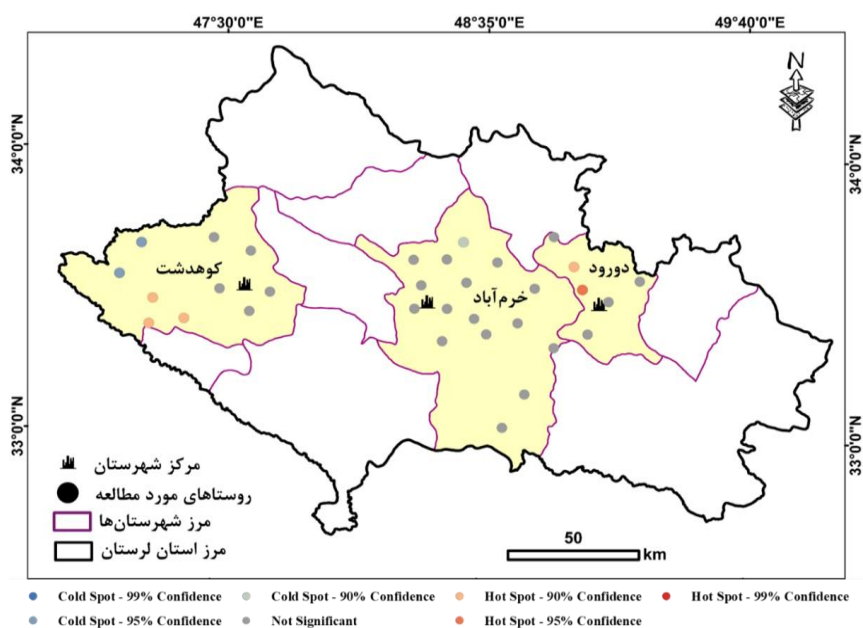
ابعاد روابط فرامحلی	تعداد	میانگین	زیرگروه همگن ۱	زیرگروه همگن ۲	زیرگروه همگن ۳
جریان اطلاعات	۴۳۷	۳/۲۳	✓	-	-
جریان افراد	۴۳۷	۳/۲۶	✓	-	-
جریان مالی	۴۳۷	۳/۳۲	✓	-	-
جریان فناوری	۴۳۷	۳/۵۰	-	✓	-
جریان کالا	۴۳۷	۳/۹۰	-	-	✓

تحلیل فضایی روابط فرامحلی

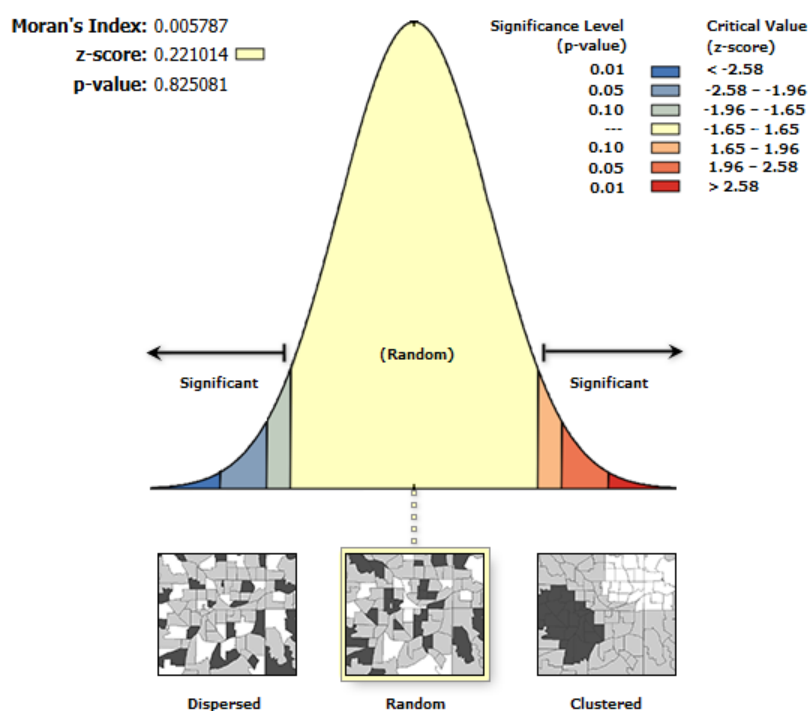
برای شناسایی نواحی با تمرکز بالا و پایین روابط فرامحلی بین روستاها، روش آماره گتیس- ارد جی به کار گرفته شد. نتایج این تحلیل در شکل ۳ نشان داده شده است. نتایج نشان داد توزیع مکانی روابط عمدتاً پراکنده و فاقد خوشه‌های بسیار قوی است؛ طوری که بخش عمده‌ای از روستاها (۲۴ روستا) در خوشه‌های معنادار قرار نگرفته‌اند و مقادیر آن‌ها با توزیع تصادفی و متوازن سازگار است. با این حال، برخی روستاها به عنوان نقاط با تمرکز نسبی شناسایی شدند. در بخش خوشه‌های داغ، چهار روستا شامل دم‌روستان، خسروآباد، عبدالعلی‌کریمی، و کاغه دارای خوشه ضعیف با سطح اطمینان ۹۰ درصد و روستای داریاب دارای خوشه قوی با سطح اطمینان ۹۵ درصد هستند. این یافته‌ها بیانگر تمرکز نسبی روابط فرامحلی بالاتر از میانگین منطقه‌ای هستند و نقش آن‌ها در شبکه تعاملات منطقه‌ای برجسته است؛ به‌ویژه روستای داریاب که به عنوان گره فعال در شبکه عمل می‌کند و توانایی جذب و انتقال تعاملات بیشتری نسبت به سایر روستاها دارد. در بخش خوشه‌های سرد، دو روستا شامل گمبله و زوله دارای خوشه قوی با سطح اطمینان ۹۵ درصد و روستای بیدهل دارای خوشه ضعیف با سطح اطمینان ۹۰ درصد هستند که نشان‌دهنده تمرکز پایین روابط فرامحلی و ضعف نسبی در شبکه تعاملات این نواحی است. نکته قابل توجه این است که هیچ‌یک از روستاها در سطح اطمینان بسیار بالا (۹۹٪) قرار نگرفته‌اند؛ به این معنا که هیچ خوشه‌داغ یا خوشه‌سرد بسیار قوی و مطلق وجود ندارد و شبکه روابط فرامحلی منطقه از نظر شدت تعاملات نسبتاً متوازن و چندمرکزی است. این امر نشان می‌دهد که شبکه نسبتاً انعطاف‌پذیر است و وابستگی شدید به چند گره خاص وجود ندارد؛ درحالی‌که برخی روستاها با فعالیت بالا یا پایین نسبی می‌توانند به عنوان گره‌های بحرانی بالقوه مورد توجه قرار گیرند.

جهت بررسی وجود یا نبود خودهمبستگی مکانی در سطح کل منطقه، شاخص موران سراسری محاسبه شد و نتایج آن در شکل ۴ ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که مقدار شاخص مکانی برابر با ۰/۰۵۷۸۷ است؛ درحالی‌که مقدار مورد انتظار آن در شرایط توزیع تصادفی برابر با ۰/۰۳۲۲۵۸- است. این مقدار نزدیک به صفر نشان‌دهنده نبود خودهمبستگی مکانی معنادار در سطح کل منطقه است و بیانگر آن است که روابط فرامحلی بین روستاها به طور پراکنده و تصادفی توزیع شده‌اند و هیچ تمرکز یا خوشه‌بندی قوی در سطح کل شبکه مشاهده نمی‌شود. همچنین مقادیر Z-Score و P-Value به ترتیب برابر با ۰/۲۲۱ و ۰/۸۲۵ هستند که این نتیجه را تأیید می‌کند. مقدار z-score نزدیک به صفر نشان‌دهنده این است که اختلاف بین شاخص مشاهده‌شده و شاخص مورد انتظار بسیار کوچک و از نظر آماری غیر معنادار است. از سوی دیگر، P-Value بالای ۰/۸۲

به‌وضوح نشان می‌دهد که فرضیه نبود خودهمبستگی مکانی رد نمی‌شود و نمی‌توان به طور معنادار وجود خوشه‌بندی یا تمرکز روابط فرامحلی را در سطح کل شبکه ادعا کرد. به طور کلی، نتایج موران سراسری نشان می‌دهد که روابط فرامحلی بین روستاها در سطح کل منطقه توزیع تقریباً تصادفی دارند و هیچ الگویی از تمرکز شدید روابط یا شکاف واضح بین نواحی با روابط بالا و پایین مشاهده نمی‌شود. این یافته با نتایج تحلیل آماره گتیس-ارد جی هم سازگار است. چون اکثریت روستاها (۲۴ روستا) غیر معنادار بودند و فقط چند روستا در خوشه‌های داغ یا سرد با سطوح اطمینان ۹۰ درصد و ۹۵ درصد قرار گرفته‌اند؛ که نشان می‌دهد الگوهای معنادار مکانی بیشتر به صورت محلی و جزئی ظاهر می‌شوند تا در سطح کل شبکه.

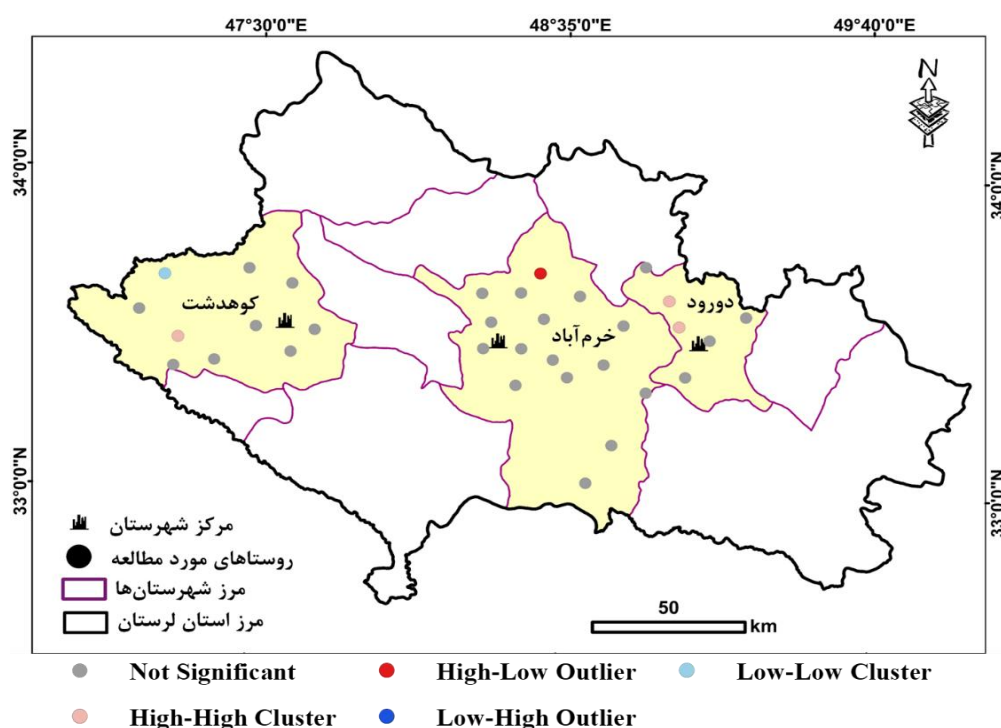


شکل ۳. الگوی خوشه‌بندی مکانی روابط فرامحلی روستاها بر اساس آماره گتیس-ارد جی



شکل ۴. توزیع مکانی روابط فرامحلی روستاها بر اساس شاخص موران سراسری

برای شناسایی الگوهای مکانی جزئی و نقاط دارای خودهمبستگی محلی در سطح روستاها، تحلیل موران محلی انجام شد که نتایج آن در شکل ۵ نمایش داده شده است. نتایج نشان داد الگوهای مکانی متنوع و جزئی در سطح محلی وجود دارند، حتی اگر شاخص کل شبکه (موران سراسری) غیر معنادار بوده است. بر اساس نتایج، سه روستا شامل داریاب و کاغه و دمروستان به عنوان خوشه بالا-بالا شناسایی شدند؛ به این معنا که این روستاها دارای روابط فرامحلی بالاتر از میانگین هستند و همسایگان آنها نیز سطح بالایی از روابط فرامحلی دارند. این خوشه‌ها نشان‌دهنده گره‌های فعال شبکه تعاملات منطقه‌ای هستند که نقش مهمی در توزیع تعاملات و منابع در سطح محلی ایفا می‌کنند. در مقابل، روستای گمبله به عنوان خوشه پایین-پایین شناسایی شد که بیانگر روابط فرامحلی پایین در این روستا و همسایگان آن است و ممکن است نشان‌دهنده محدودیت‌های دسترسی یا ضعف در شبکه محلی تعاملات باشد. تحلیل Outlierها نشان داد روستای بیدهل به عنوان خوشه بالا-پایین شناسایی شد؛ به این معنا که سطح روابط فرامحلی آن بالاتر از میانگین است. اما همسایگان آن دارای روابط پایین هستند که بیانگر نقش متفاوت بیدهل در شبکه به عنوان گره فعال منفرد در محیطی با تعامل محدود همسایگان است. هیچ روستایی به عنوان خوشه پایین-بالا شناسایی نشد که نشان می‌دهد هیچ روستای با روابط پایین در میان همسایگان دارای روابط بالا وجود ندارد. همچنین ۲۵ روستا غیر معنادار هستند که بیانگر پراکندگی عمده روابط فرامحلی و نبود خوشه‌بندی یا Outlier معنادار در بیشتر نقاط شبکه است. این یافته‌ها تأکید می‌کنند که الگوهای معنادار مکانی در سطح محلی و برای تعداد محدودی از روستاها مشاهده می‌شوند؛ درحالی‌که توزیع کلی شبکه تعاملات فرامحلی نسبتاً پراکنده و متوازن باقی می‌ماند.

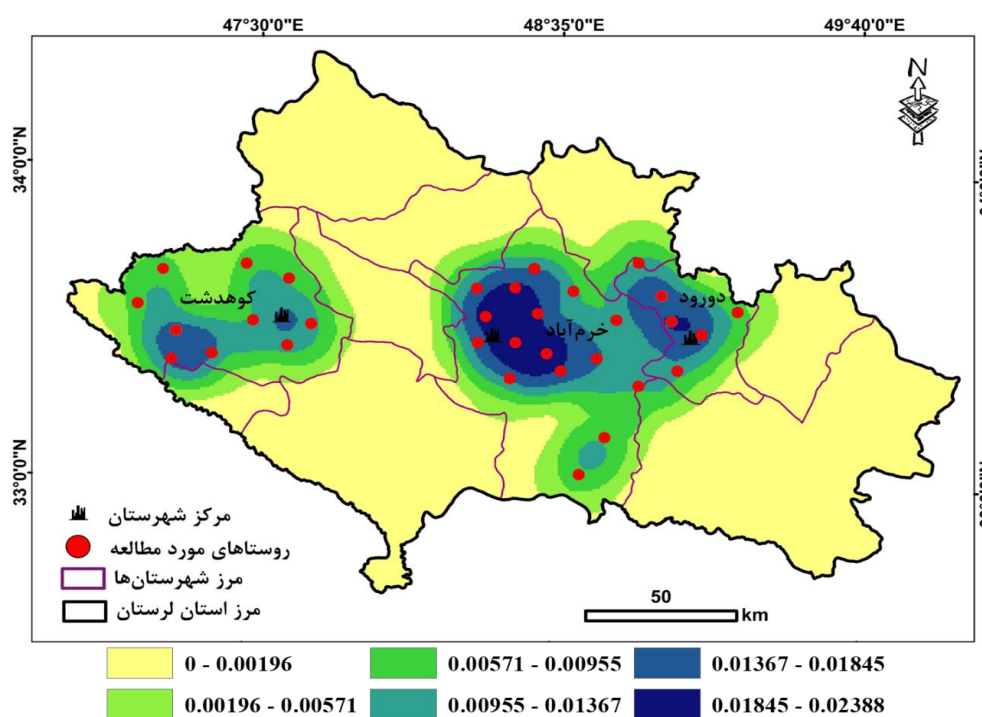


شکل ۵. خوشه‌ها و Outlierهای روابط فرامحلی روستاها بر اساس شاخص موران محلی

برای ارزیابی شدت فضایی و توزیع تدریجی روابط فرامحلی بین روستاها، برآورد چگالی هسته‌ای انجام شد که نتایج آن در شکل ۶ نمایش داده شده است. نتایج نشان می‌دهد مقادیر شدت فضایی تعاملات در بازه ۰ تا ۰/۰۲۳۸۸ تغییر می‌کند که بیانگر وجود تفاوت‌های معنادار در شدت تمرکز روابط فرامحلی در سطح منطقه است. طبقه‌بندی نقشه به شش کلاس چگالی نشان می‌دهد که توزیع این مقادیر ماهیتی تدریجی و پیوسته دارد و از تمرکزهای بسیار ضعیف تا تمرکزهای نسبتاً بالا را در بر می‌گیرد. پایین‌ترین کلاس‌ها (۰ تا ۰/۰۰۵۷۱) عمدتاً شامل روستاهایی مانند نامجو، گمبله، دریژان پایین، و زوله هستند که بیانگر

شدت پایین روابط فرامحلی و پراکندگی تعاملات در پیرامون آن‌هاست. این وضعیت نشان می‌دهد که اگرچه روابط فرامحلی در این روستاها وجود دارد، شدت و دامنه فضایی آن محدودتر است.

در مقابل، بالاترین مقادیر برآورد چگالی هسته‌ای (۰/۰۱۸۴۵ تا ۰/۰۲۳۸۸) مربوط به روستاهایی نظیر کمالوند غلام‌علی، سراب-سوری، پاپی‌خالداری، پشته‌له، و نمکلان علیا است که نشان‌دهنده تمرکز بالاتر فضایی روابط فرامحلی در اطراف این روستاهاست. این امر بیانگر آن است که این روستاها در پهنه فضایی منطقه در نواحی‌ای قرار گرفته‌اند که چندین روستای دارای روابط فرامحلی فعال در فاصله نزدیک از یک‌دیگر واقع شده‌اند و در نتیجه شدت تجمع تعاملات افزایش یافته است. نکته مهم آن است که برخی روستاها با نقش معنادار در تحلیل‌های محلی خودهمبستگی مکانی-مانند داریاب، کاغه، دمرستان، خسروآباد-در کلاس‌های میانی تا بالای برآورد چگالی هسته‌ای قرار دارند؛ درحالی‌که تعدادی از روستاهای فاقد معناداری آماری در تحلیل‌های موران گتیس-ارد جی نیز مقادیر بالای برآورد چگالی هسته‌ای را نشان می‌دهند. این الگو تأیید می‌کند که شدت بالای روابط فرامحلی لزوماً به معنای خوشه‌بندی آماری نیست، بلکه بیانگر توزیع غیر متمرکز و شبکه‌ای و پیوسته روابط فرامحلی در سطح منطقه است. به طور کلی، نقشه برآورد چگالی هسته‌ای نشان می‌دهد که روابط فرامحلی روستاها اگرچه از نظر شدت فضایی قابل توجه‌اند، به صورت خوشه‌های آماری قوی سازمان نیافته‌اند و بیشتر ماهیتی پراکنده و چندمرکزی دارند.



شکل ۶. شدت فضایی تعاملات فرامحلی بین روستاها بر اساس برآورد چگالی هسته‌ای

بحث و نتیجه

یافته‌های این پژوهش در پاسخ به سؤال نخست مبنی بر اینکه «روابط فرامحلی خانوارهای روستایی استان لرستان از چه الگوی فضایی تبعیت می‌کنند؟» نشان می‌دهد که این روابط از الگوی شبکه‌ای، چندمقیاسی، و غیر متمرکز پیروی می‌کنند؛ به گونه‌ای که دیگر نمی‌توان آن‌ها را پیوندهایی حاشیه‌ای یا مکمل زندگی محلی تلقی کرد، بلکه به بخشی ساختاری از سازمان فضایی، نظام معیشتی، و کنش‌های اجتماعی خانوارها تبدیل شده‌اند. برتری معنادار تمامی ابعاد روابط فرامحلی نسبت به مقدار مبنای نظری بیانگر آن است که روستاهای مورد مطالعه نه در چارچوب یک منطق سکونتگاهی بسته، بلکه در قالب شبکه‌هایی چندمکانی و چندمقیاسی عمل می‌کنند. این وضعیت با مبانی نظری فرامحلی‌گرایی که بر درهم‌تنیدگی فضاها و جریان‌ها و شبکه‌های اجتماعی تأکید دارد انطباق دارد و دیدگاه‌های بریکل و داتا (۲۰۱۱) و گرینر و ساکداپولارک (۲۰۱۳) را در بستر

روستایی ایران تأیید می‌کند. در این چارچوب، روستا نه نقطه‌ای ایستا بلکه گرهی فعال در شبکه‌ای از تعاملات فضایی است که در آن جریان‌ها نقش اصلی را در بازتولید زندگی اجتماعی و اقتصادی ایفا می‌کنند.

در تبیین ماهیت این الگوی فضایی، تحلیل یکپارچه ابعاد روابط فرامحلی نشان می‌دهد که ساختار این روابط ماهیتی نامتوازن، اما، کارکردی دارد. غلبه جریان کالا در کنار سطح بالای جریان اطلاعات و فناوری بیانگر آن است که الگوی حاکم بر روابط فرامحلی در منطقه الگویی اقتصادمحور و بازارگراست که از طریق پیوند با شبکه‌های شهری و منطقه‌ای شکل گرفته است. این امر نشان می‌دهد که ادغام روستاها در شبکه‌های مصرف، تولید، و توزیع فرامنطقه‌ای مهم‌ترین بستر شکل‌گیری الگوی فضایی روابط فرامحلی بوده است؛ به گونه‌ای که تأمین نهاده‌های تولیدی، فروش محصولات، و حتی بخشی از تصمیم‌گیری‌های معیشتی به فضاهایی فراتر از محدوده روستا وابسته شده است. این یافته با نتایج پژوهش‌های ساکداپولارک و همکارانش (۲۰۲۳) و نیز مطالعات داخلی رحیمی و کرمی دهکردی (۱۴۰۰) و حسینی و همکارانش (۱۴۰۲) همخوانی دارد که پیوندهای کالایی را اصلی‌ترین کانال اتصال روستاها به نظام‌های اقتصادی فرامنطقه‌ای معرفی کرده‌اند.

جریان اطلاعات و فناوری نیز در تکوین این الگوی فضایی نقشی زیربنایی ایفا می‌کند. نفوذ ابزارهای ارتباطی و فناوری‌های دیجیتال موجب کاهش اصطکاک فضایی، تسهیل دسترسی به بازارها، و تقویت ظرفیت‌های تطبیقی خانوارها شده است و بدین ترتیب زیرساخت نامرئی اما تعیین‌کننده سازمان‌یافتگی روابط فرامحلی را شکل داده است. این نتیجه با نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز و دیدگاه‌های راجرز درباره انتشار نوآوری انطباق دارد و نشان می‌دهد که حتی در فضاهای روستایی با پراکندگی جغرافیایی بالا فناوری می‌تواند پیوندهای فرامحلی را تثبیت و بازتولید کند. با این حال، تمرکز این جریان‌ها در حوزه‌های عمومی و بازارمحور و ضعف نسبی در حوزه‌های تخصصی‌تر نظیر خدمات پیشرفته بیانگر آن است که الگوی فناورانه روابط فرامحلی هنوز به طور کامل نهادینه نشده و در مرحله گذار قرار دارد.

در مقابل، جریان‌های مالی و انسانی اگرچه از نظر آماری معنادارند، نسبت به ابعاد کالایی و فناورانه شدت کمتری دارند. این امر نشان می‌دهد که الگوی فضایی روابط فرامحلی در لرستان بیش از آنکه مبتنی بر مهاجرت‌های گسترده و سرمایه‌گذاری‌های کلان باشد بر شبکه‌های حمایتی، حواله‌ها، و رفت‌وآمدهای کوتاه‌مدت استوار است. بنابراین، عدم غلبه جریان افراد به معنای ضعف تحرک فضایی نیست، بلکه بیانگر غالب بودن الگوهای رفت‌وبرگشتی، چرخشی، و هدفمند به جای مهاجرت‌های دائمی و گسست‌زا است. این یافته با نتایج روخباخ و همکارانش (۲۰۱۹) و بوت و همکارانش (۲۰۲۰) هم‌سو است که بر نقش دوگانه مهاجرت و جریان‌های مالی به عنوان فرصت و در عین حال محدودیت در معیشت فرامحلی تأکید دارند.

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش مبنی بر اینکه «این روابط چگونه در سطح فضا سازمان یافته‌اند؟» نتایج تحلیل فضایی نشان می‌دهد که روابط فرامحلی در مقیاس منطقه‌ای واجد سازمان‌یافتگی شبکه‌ای، پراکنده، و چندمرکزی هستند. نبود خودهمبستگی مکانی معنادار در مقیاس کل بیانگر آن است که روابط فرامحلی به چند کانون خاص محدود نشده‌اند و از تمرکز شدید یا قطبیت فضایی برخوردار نیستند. این وضعیت را می‌توان نشانه‌ای از توزیع نسبتاً متوازن ظرفیت‌های ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی در سطح منطقه تفسیر کرد؛ الگویی که در آن هیچ روستایی مرکز مطلق تعاملات نیست و ساختار کلی شبکه از انعطاف‌پذیری بالاتری در برابر شوک‌های اقتصادی و اجتماعی برخوردار است. این تفسیر با دیدگاه رابطه‌ای به فضا هم‌سو است که فضا را محصول تعاملات می‌داند، نه ظرفی ثابت برای استقرار پدیده‌ها.

با این حال، تحلیل‌های محلی نشان می‌دهد که در درون این ساختار غیر متمرکز برخی روستاها به واسطه موقعیت مکانی، دسترسی بهتر، یا جایگاه شبکه‌ای خود نقش گره‌های فعال‌تری را ایفا می‌کنند. بدین ترتیب، سازمان فضایی روابط فرامحلی نه یکنواخت، بلکه مبتنی بر ناهمگنی‌های خردمقیاس است؛ ساختاری که در آن پراکندگی کلی با تمرکز نسبی موضعی هم‌زیستی دارد. شدت بالای روابط لزوماً به خوشه‌بندی آماری قوی منجر نشده، بلکه در قالب شبکه‌ای پیوسته و هم‌پوشان گسترش یافته است. این نتیجه با پژوهش‌های پورست و ساکداپولارک (۲۰۱۸) همخوانی دارد که بر اهمیت مقیاس محلی و ناهمگنی فضایی در تحلیل فرامحلی‌گرایی تأکید کرده‌اند.

در مجموع، پاسخ به دو سؤال اصلی پژوهش نشان می‌دهد که روابط فرامحلی خانوارهای روستایی استان لرستان از الگویی شبکه‌ای، چندمقیاسی، و اقتصادمحور تبعیت می‌کنند و در سطح فضا به صورت ساختاری پراکنده، غیر قطبی، و در عین حال دارای گره‌های فعال موضعی سازمان یافته‌اند. این روابط در مرحله گذار قرار دارند؛ گذار از تعاملات صرفاً محلی به سوی شبکه‌های گسترده اقتصادی، اطلاعاتی، و فناورانه. اگرچه این پیوندها هنوز به طور کامل به محرک‌های نهادی توسعه تبدیل نشده‌اند، به عنوان یکی از پایه‌های اصلی تاب‌آوری معیشتی و کاهش آسیب‌پذیری عمل می‌کنند و نشان می‌دهند که توسعه روستایی در این مناطق در قالب برهم‌کنش هم‌زمان پیوندهای محلی و فرامحلی شکل گرفته است.

با وجود استحکام روش‌شناختی پژوهش و کفایت حجم نمونه، نتایج آن در چارچوب دامنه طراحی تحقیق قابل تفسیر است. این مطالعه بر مبنای داده‌های مقطعی انجام شده و بنابراین تصویری از وضعیت روابط فرامحلی در یک مقطع زمانی مشخص ارائه می‌دهد. از این رو، تحلیل روندهای بلندمدت و تحولات زمانی این روابط نیازمند مطالعات تکمیلی است. همچنین، داده‌ها بر اساس پیمایش میدانی گردآوری شده‌اند که اگرچه امکان دسترسی مستقیم به ادراک و تجربه خانوارها را فراهم می‌کند، ماهیت آن اقتضا می‌کند یافته‌ها در چارچوب شرایط اجتماعی-اقتصادی زمان مطالعه تفسیر شوند. افزون بر این، تمرکز پژوهش بر استان لرستان و نمونه‌ای متنوع از روستاهای آن امکان تحلیل عمیق در سطح منطقه‌ای را فراهم کرده است؛ با این حال، تعمیم نتایج به سایر استان‌ها با زمینه‌های نهادی و جغرافیایی متفاوت مستلزم انجام دادن مطالعات مشابه در آن مناطق است.

بر اساس یافته‌ها، تقویت زیرساخت‌های حمل‌ونقل و ارتباطات دیجیتال، توسعه نهادهای مالی خرد و هدایت جریان‌های مالی به سمت فعالیت‌های مولد، و نیز توجه به نقش روستاهای گرهی در شبکه روابط فرامحلی می‌تواند کارکرد توسعه‌ای این روابط را ارتقا دهد. در ادامه این مسیر، مطالعات آینده می‌توانند با رویکردهای طولی و تلفیق تحلیل‌های فضایی و شبکه‌ای پویایی و سازمان‌یافتگی روابط فرامحلی را در مقیاس‌های مختلف بررسی کنند و زمینه تعمیم‌پذیری بیشتر نتایج را فراهم سازند.

منابع

- حسینی، سیده کوثر؛ فروزانی، معصومه و عبدشاهی، عباس (۱۴۰۲). بررسی اثرگذاری دارایی‌های معیشتی بر تنوع معیشت روستاییان (مورد مطالعه: شهرستان باوی). *تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی/ایران*، ۵۴(۲)، ۴۸۷-۵۰۳.
- رحیمی، زینب و کرمی دهکردی، مهدی (۱۴۰۰). تحلیل دارایی‌های پنج‌گانه معیشتی در جوامع روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان دره‌شهر). *جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲۵(۷۸)، ۱۷۹-۱۹۵.
- سلیمانی، عادل و رضوانی، محمدرضا (۱۴۰۲). تحلیل فضایی تاب‌آوری فرامحلی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان روانسر در مواجهه با خشک‌سالی. *پژوهش‌های روستایی*، ۱۴(۱)، ۶-۱۹.
- سنایی‌مقدم، سروش؛ عنابستانی، علی‌اکبر؛ رحمانی، بیژن و عزیزپور، فرهاد (۱۴۰۲). مدل‌سازی اثرات پیوندهای روستایی-شهری بر امنیت غذایی خانوارهای سکونتگاه‌های پیراشهر دهدشت. *روستا و توسعه پایدار فضا*، ۴(۴)، ۱-۲۴.
- شفیعی‌ثابت، ناصر و هراتی‌فرد، سعیده (۱۴۰۳). پیشران‌های کلیدی اثرگذار بر ظرفیت پیوندهای روستایی-شهری و شکل‌گیری شبکه گردشگری در منطقه تهران و البرز. *برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*، ۱۳(۴۹)، ۵۶-۹۱.
- Andersson, A., Mackay, H., & Qambalo, H. H. (2025). Translocality and Inclusive Urbanisation in Small Towns in Tanzania. *The European Journal of Development Research*, 1-27. <https://doi.org/10.1057/s41287-025-00719-3>
- Anselin, L. (2019). The Moran scatterplot as an ESDA tool to assess local instability in spatial association. In *Spatial analytical perspectives on GIS* (pp. 111-126). Routledge.
- Bott, L. M., Pritchard, B., & Braun, B. (2020). Translocal social capital as a resource for community-based responses to coastal flooding—Evidence from urban and rural areas on Java, Indonesia. *Geoforum*, 117, 1-12. <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2020.08.012>
- Brickell, K. & Datta, A. (2011). Introduction: translocal geographies. In: Brickell, K., Datta, A. (Eds.), *Translocal Geographies: Spaces, Places Connections*. Ashgate Publishing Limited, Routledge.
- Chen, S., Mehmood, M. S., Liu, S., & Gao, Y. (2022). Spatial pattern and influencing factors of rural settlements in Qinba Mountains, Shaanxi Province, China. *Sustainability*, 14(16), 10095. <https://doi.org/10.3390/su141610095>
- Chen, Z. & Dong, H. (2024). Spatial and temporal evolution patterns and driving mechanisms of rural settlements: a case study of Xunwu County, Jiangxi Province, China. *Scientific Reports*, 14(1), 24342. <https://doi.org/10.1038/s41598-024-75917-w>
- Djurfeldt, A. A. (2022). Food transfers and translocal livelihoods in rural Africa—Longitudinal perspectives from six countries. *Journal of Rural Studies*, 93, 18-27. <https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2022.04.009>
- Freitag, U. & Von Oppen, A. (2010). Introduction. 'Translocality': An approach to connection and transfer in area studies. In *Translocality* (pp. 1-21). Brill.
- Goodchild, M. F. & Longley, P. A. (2021). Geographic information science. In *Handbook of Regional Science* (pp. 1597-1614). Berlin, Heidelberg: Springer Berlin Heidelberg.
- Greiner, C. (2011). Migration, translocal networks and socio-economic stratification in Namibia. *Africa*, 81(4), 606-627. <https://doi.org/10.1017/S0001972011000477>
- Greiner, C. & Sakdapolrak, P. (2013). Translocality: Concepts, applications and emerging research perspectives. *Geography compass*, 7(5), 373-384. <https://doi.org/10.1111/gec3.12048>
- Hosseini, S. K., Forouzani, M., & Abdeslahi, A. (2023). Investigating the effect of livelihood assets on diversity of villagers' livelihoods (the case of Bavi County). *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 54(2), 487-503. (in Persian) [Doi: 10.22059/ijaedr.2023.350022.669185](https://doi.org/10.22059/ijaedr.2023.350022.669185)
- Huang, Y., Li, Z., Wu, X., Liang, Y., & Li, X. (2025). Mapping the stage-specific interactions in rural human settlements: A pathway to understanding rural objective well-being. *Applied Geography*, 182, 103713. <https://doi.org/10.1016/j.apgeog.2025.103713>
- Huang, Y., Xia, J., Chen, Y., & Hong, J. (2024). Global research progress on rural settlement spatial patterns from 2000–2024: a comprehensive review of hotspots, frontiers, and emerging trends. *Frontiers in Earth Science*, 12, 1505570. <https://doi.org/10.3389/feart.2024.1505570>
- Kudo, S., Allasiw, D. I., Omi, K., & Hansen, M. (2020). Translocal learning approach: A new form of collective learning for sustainability. *Resources, Environment and Sustainability*, 2, 100009. <https://doi.org/10.1016/j.resenv.2020.100009>
- Leder, S. (2024). Translocal resource governance, social relations and aspirations: Linking translocality and Feminist Political Ecology to explore farmer-managed irrigation systems and migration in Nepal. *Geoforum*, 148, 103905. <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2023.103905>

- Lohnert, B. & Steinbrink, M. (2005). Rural and urban livelihoods: A translocal perspective in a South African context. *South African Geographical Journal*, 87(2), 95-103. <https://doi.org/10.1080/03736245.2005.9713832>
- McGranahan, G. & Tacoli, C. (2006). *Rural-urban migration in China: policy options for economic growth, environmental sustainability and equity* (Vol. 12). IIED.
- Porst, L. & Sakdapolrak, P. (2018). Advancing adaptation or producing precarity? The role of rural-urban migration and translocal embeddedness in navigating household resilience in Thailand. *Geoforum*, 97, 35-45. <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2018.10.011>
- Rahimi, Z. & Karami Dehkordi, M. (2022). Analysis of five subsistence assets in rural communities (Case study: Dare Shahr villages). *Journal of Geography and Planning*, 25(78), 179-195. (in Persian) [Doi:10.22034/gp.2021.44241.2766](https://doi.org/10.22034/gp.2021.44241.2766)
- Rockenbach, T., Sakdapolrak, P., & Sterly, H. (2019). Beyond the local—Exploring the socio-spatial patterns of translocal network capital and its role in household resilience in Northeast Thailand. *Geoforum*, 107, 154-167. <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2019.09.009>
- Sakdapolrak, P., Borderon, M., & Sterly, H. (2023). The limits of migration as adaptation. A conceptual approach towards the role of immobility, disconnectedness and simultaneous exposure in translocal livelihoods systems. *Climate and Development*, 16(2), 87-96. <https://doi.org/10.1080/17565529.2023.2180318>
- Sanaeimoghadam, S., Anabestani, A., Rahmani, B., & Azizpour, F. (2023). Constructing a Model for Investigating the Effects of Rural-Urban Linkages on Food Security in Dehdasht Peri-urban Settlements. *Village and Space Sustainable Development*, 4(4), 1-24. (in Persian) [Doi: 10.22077/vssd.2023.5825.1145](https://doi.org/10.22077/vssd.2023.5825.1145)
- Shafieisabet, N. & Haratifard, S. (2024). Key Drivers Influencing the Capacity of Rural-Urban Linkages and the Formation of Tourism Network in Tehran and Alborz Regions. *Journal of Tourism Planning and Development*, 13(49), 65-91. (in Persian) [Doi: 10.22080/jtpd.2024.26766.3863](https://doi.org/10.22080/jtpd.2024.26766.3863)
- Steinbrink, M. (2009). Urbanisation, poverty and translocality: Insights from South Africa. *African Population Studies*, 23(Suppl), 220-252.
- Steinbrink, M. & Niedenführ, H. (2019). Translocal livelihoods: New perspectives in livelihood research. In *Africa on the Move: Migration, Translocal Livelihoods and Rural Development in Sub-Saharan Africa* (pp. 35-52). Cham: Springer International Publishing. https://doi.org/10.1007/978-3-030-22841-5_3
- Sulaimany, A. & Rezvani, M.R. (2023). Spatial Analysis of Translocal Resilience of Rural Settlements in Ravansar County against Drought. *Journal of Rural Research*, 14(1), 6-19. (in Persian) [Doi:10.22059/jrrr.2023.347730.1768](https://doi.org/10.22059/jrrr.2023.347730.1768)
- Walker, R. T. (2022). Geography, Von Thünen, and Tobler's first law: Tracing the evolution of a concept. *Geographical Review*, 112(4), 591-607. <https://doi.org/10.1080/00167428.2021.1906670>
- Zoomers, A., Van Noorloos, F., Otsuki, K., Steel, G., & Van Westen, G. (2017). The rush for land in an urbanizing world: From land grabbing toward developing safe, resilient, and sustainable cities and landscapes. *World Development*, 92, 242-252. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2016.11.016>